

# تحکیم

نشریه رسمی اتحادیه دانشجویی دفتر تحکیم وحدت

## القدس عاصمة فلسطين







نام نشریه :

تحکیم

صاحب امتیاز :

اتحادیه دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول :

امیر رضا بخشی پور

سر دبیر :

سعید واشقانی فراهانی

طراح :

تکتم روشن

هیأت تحریریه :

امیر رضا بخشی پور، سعید واشقانی فراهانی،  
فاطمه زمانی، مریم آستوی،  
علی شفیعی، متین شهیادی،  
محمد حسن روح پرور

# فهرست مطالب

۶- سخن آغازین

صهیونیسم و نحوه شکل گیری آن

۱۳- نقش قدرت های غربی در شکل گیری رژیم صهیونیستی اسرائیل

جنگ ۳۳ روزه حزب الله و رژیم صهیونیستی

۲۷- اعلل عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی و انحطاط از درون

۳۴- نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل گیری و تقویت گروه های مقاومت

برنامه بررسی آخرین تحولات فلسطین و محور مقاومت

تصاویر گوشه ای از جنایات رژیم تروریستی صهیونیستی علیه کودکان فلسطینی

۴۵

## سخن آغازین

امیر رضا بخشی پور  
دبیر دفتر تحکیم وحدت

**امام خامنه‌ای : مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اول دنیای اسلام است.** شناخت تحولات و رویدادهای جهان اسلام یکی از وظایف مهم جریان جنبش دانشجویی است. مهم ترین مسئله‌ی جهان اسلام فلسطین است. صهیونیست‌ها توانسته‌اند با کمک غربی‌ها و خودباختگی کشورهای جهان عرب با کشتار مردمان مظلوم فلسطین این منطقه را به اشغال خود درآورند. با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران با تشکیل گروه‌های مقاومت و حمایت از جریان‌های مقاومت به خط مقدم اصلی مبارزه با این رژیم تروریستی تبدیل گردید. با این رویکرد جمهوری اسلامی ایران توانست از فراموشی مسئله فلسطین در جهان اسلام جلوگیری کند. مسئله‌ی مهمی که امروز در دانشگاه‌ها ما با آن مواجه هستیم فراموش نمودن مسئله فلسطین و جنایات این رژیم کودک کش در میان دانشجویان است. بر همین اساس یکی از رسالت‌های اصلی جنبش دانشجویی پرداختن به این مسئله و جلوگیری از تحریف مسئله فلسطین است. در این نشریه که به همت کمیسیون بین الملل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ( دفتر تحکیم وحدت) تهیه شده است سعی گردیده است با رویکرد تبیینی به صورت اجمالی به مسئله فلسطین پردازیم.



# صهیونیست و نحوه شکل گیری آن

مریم آستوی

عضو کمیسیون بین الملل دفتر تحکیم وحدت

صهیونیسم جنبش سیاسی طرفدار بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و ایجاد کشور اسرائیل است. این جنبش در اواخر قرن ۱۹ میلادی توسط تئودور هرتسل بنیان نهاده شد و توانست با همکاری قدرت های جهانی در سال ۱۹۴۸ کشور اسرائیل را تاسیس کند. وزیر امور خارجه بریتانیا، آرتور جیمز بالفور در نوامبر ۱۹۱۷ نامه ای نوشت و در آن برای یهودیان داشتن یک وطن ملیدر فلسطین را به رسمیت شناخت. انگلستان بر اساس بیانیه بالفور موافقت خود را بر تاسیس یک حکومت مستقل یهودی در خاک فلسطین اعلام نمود. این اعلامیه اولین گام عملی برای تشکیل رژیم صهیونیستی بود. در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ گروه های صهیونیستی طرح تقسیم فلسطین را در سازمان ملل به تصویب رساندند و در

سال بعد یعنی ۱۹۴۸ برابر با ۱۳۲۷ شمسی دولت اسرائیل اعلام موجودیت کرد. یهودیان در حالی که تنها حدود ۵ درصد از زمین های فلسطین را خریداری کرده بودند، در زمان اعلام موجودیت ۷۷ درصد از سرزمین های فلسطینی را به تصرف خود در آوردند. محققان معتقدند جریان صهیونیسم حداقل در شروع، نه در ظاهر و نه در باطن خود شکل یک نهضت دینی را نداشت. شاکله اصلی جریان صهیونیستی را در آغاز، تفکرات سیاسی تشکیل میدادند که مستقیماً تحت تاثیر تحولات فکری اروپا قرار داشتند.



تئودور هرتسل بنیان گذار صهیونیسم



فلسطین اشغالی و در نهایت تاسیس اسرائیل مخالفت کردند، از جمله؛ شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله بروجردی، سید محسن حکیم، امام خمینی (ره) که پیش از انقلاب اسلامی ایران و پس از آن موضع گیری های بسیاری علیه صهیونیسم و اسرائیل داشت. نامه امام خمینی (ره) در اردیبهشت ۱۳۴۲ شمسی: خطر اسرائیل برای اسلام و ایران بسیار نزدیک است. لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم. امروز روزی نیست که به سیره سلف صالح بتوان رفتار کرد. با سکوت و کناره گیری همه چیز را از دست خواهیم داد. سرزمینی که امروزه صهیونیست ها آن را اسرائیل نامیده اند، سرزمین فلسطین است. فلسطین، گذرگاه مهمی برای اتصال سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا است و پیوسته در طول تاریخ در معرض تهاجم امپراطورها و سرداران جنگی بوده است. پس از ظهور اسلام و آمدن خاتم الانبیاء حضرت محمد (ص) اگر چه اجتماعات کوچکی از یهودیان

از آنجایی که جنبش صهیونیسم برگرفته از (صهیون) یا (سیون) نام کوهی در اورشلیم (بیت المقدس) است، بن گوریون اولین نخست وزیر اسرائیل معتقد بود تفکر و اعتقاد بازگشت به کوه صهیون نقطه اتصال همه یهودیان خواهد بود و این معیار، همه یهودیان حتی یهودیان بی دین را شامل میشود. این معیار سبب رشد صهیونیست در میان یهودیانی با افکار و فرهنگ های مختلف شد. در کنار گروه های مذهبی، صهیونیسم لائیک نیز شکل گرفت که با تکیه بر استدلال های تاریخی و سیاسی به اسکان یهودیان در فلسطین مشروعیت می بخشید. علاوه بر این امروزه پدیده صهیونیسم مسیحی نیز وجود دارد. گروهی از مسیحیان طرفدار اسرائیل وجود دارند که حمایت از اسرائیل را یک امر سیاسی یا اقتصادی نمیدانند بلکه این حمایت را امری عبادی قلمداد میکنند. و گروه های بسیاری از یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به مخالفت با صهیونیسم پرداخته اند. علما و مراجع تقلید شیعه نیز با ظلم صهیونیست ها در

و مسیحیان در این سرزمین بر دین خود باقی ماندند، اما به تدریج اکثر مردم فلسطین از جمله یهودیان، مسلمان شدند. فلسطین در طول سالیان دراز و جنگ‌هایی که صورت می‌گرفت، بین قدرت‌های دنیا دست به دست می‌شد تا اینکه در زمان خلیفه دوم به دست نیروهای اسلام افتاد. یهودیان (نام دیگر آنان بنی اسرائیل بوده و از نسل حضرت یعقوب (ع) می‌باشند و صهیونیست‌ها اولین ساکنین فلسطین نبودند بلکه زمان بسیار طولانی، قبل از اینکه آنها به فلسطین بیایند این سرزمین دارای سکنه بود. اولین ساکنین شناخته شده در فلسطین، کنعانی‌ها که مردمانی شهرنشین و دارای تمدنی پیشرفته، حدود دو قرن قبل از میلاد، دولتی تحت عنوان (کنعانیه) را در آنجا تاسیس کردند. حدود هزار سال پیش از میلاد، اقوامی بنام فلسطینی که از دریای اژه آمده بودند به این ناحیه راه یافته و جای کنعانیان را گرفتند. مدتها پس از مهاجرت فلسطینی‌ها و کنعانیان به سرزمین فلسطین، قوم بنی اسرائیل به همراه حضرت موسی (ع) در فلسطین سکونت کردند، بعدها حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع)، دولت‌هایی در این سرزمین به وجود آوردند. قوم بنی اسرائیل، بیشتر از هر امتی به پیامبران‌شان ظلم و ستم کرده و اعتنا به سخنان آنها ننموده و آنها را به شهادت می‌رساندند، در اثر همین ظلم و ستم‌ها به نقاط مختلف جهان پراکنده می‌شدند که بعداً جنبش و سازمانی بنام صهیونیست جهانی در سال میلادی ۱۸۹۷ در بال سوئیس توسط دویست و چهل نفر از سران یهود از کشورهای مختلف تشکیل شده و ادعای مالکیت سرزمین فلسطین را داشته و خواهان تشکیل دولت یهود در فلسطین هستند.

اسرائیل نام رسمی یک کشور در غرب آسیا واقع در مدیترانه شرقی و ساحل شمالی دریای سرخ است. شهری که اسرائیل آن را پایتخت خود میداند اورشلیم است در حالی که مرکز اقتصادی و علمی اسرائیل تل آویو میباشد، اسرائیل تنها کشور با شهروندان عمدتاً یهود در جهان است که در میان یهودیها، اعراب اسرائیلی (مسلمان) مسیحی و دروزی، ارمنی، سامری، مارونی و... از ساکنین این کشور هستند.



بنی اسرائیل در قرآن :  
 اسرائیل واژه ای عبری است این واژه برای یعقوب بن اسحاق است که در کتاب مقدس به معنای (ا خدا کشتی می گیرد) یا (خدا کشتی می گیرد) و... آمده است. بر اساس گزارش کتاب مقدس این نامگذاری در پی کشتی گرفتن حضرت یعقوب (ع) با یکی از فرشتگان یا خدا در فنوئیل بوده است. در مقابل برخی از مفسران مسلمان آن را عبری و بع معنای (نده) و (برگزیده خدا) دانسته اند. یک نکته قابل توجه که یهودیت، نخستین دین ابراهیمی و نیز به عقیده بسیاری، نخستین دین سازمان یافته یکتاپرستی است.

و اسرائیل و صهیونیست نبوده و آنها انجا را غصب کرده و برای همین به کشتار مردم فلسطین میپردازند. البته فلسطین متعلق به تمام مردم آن اعم از مسلمانان، یهود، انصار و... است اما نه اینکه مانند صهیونیست ها به کشتار مردم فلسطین پرداخته تا در انجا ملت و مذهب جدیدی بنا کنند.



بطور کلی هدف اصلی صهیونیسم ساخت یک مذهب، یک ملت و یک دولت از یهودیت است و میکوشد تا تمام یهودیان دنیا را با توسل به جنگ های توسعه طلبانه در سرزمین فلسطین گرد هم آورد، زیرا بر اساس منطق عقل و قوانین جهانی، میتوان بدون جنگ و زور و کشتار در جایی زندگی کرد و نباید به خاطر زندگب طولانی مدت در یک سرزمین ادعای مالکیت آن سرزمین را کرد و آن را متعلق به ساکنین اصلی انان نداشت. در حالی که صهیونیست ها به خاطر اینکه عده اب از یهودیان در مدت طولانی در سرزمین فلسطین زندگی کرده اند و در آنجا پیامبرانشان برای هدایت آنان فرستاده شده بودند، ادعای مالکیت فلسطین را با جنگ و کشتار مسلمانان داشته و بر خلاف منطق عقل و تمام قوانین حقوق بشر عمل میکنند و همین نشانگر هدفی غیر از وطن دوستی است. بنابر آنچه گفته شد، سرزمین فلسطین سرزمین اصلی یهودیان



# نقش قدرت های غربی در شکل گیری رژیم صهیونیستی

علی شفیعی 

عضو کمیسیون بین الملل دفتر تحکیم وحدت

پس از تشکیل سازمان صهیونیست، هر تسل از جانب آن شروع به مذاکره با مقامات حکومت عثمانی کرد اما او شکست خورد و سلطان عثمانی هیچکدام از پیشنهادهای صهیونیست‌ها درباره فلسطین را نپذیرفت. سپس او در سال ۱۹۰۲، با جوزف چمبرلین، وزیر مستعمرات انگلیس و پدر امپریالیسم نوین بریتانیا، ملاقات کرد. چمبرلین موافق تاسیس کشور یهودی بود و با طرح هر تسل که در اولین قدم جامعه‌ی سیاسی یهود بیرون از فلسطین در حاشیه شبه جزیره‌ی سینا که تحت اشغال بریتانیا بود تشکیل شود موافقت کرد اما گفت باید دولت انگلیس موافقت کند. هر تسل برای گرفتن این موافقت، وکیلی آگاه به امور سیاسی انگلیس به نام دیوید لویید جورج گرفت. دولت انگلیس با این طرح مخالف کرد اما برای حمایت از جنبش صهیونیسم وزارت خارجه آن در سال ۱۹۰۳، اعلامیه‌ای منتشر کرد و در آن شان ملی برای قوم یهود

قائل شد. با اینکه این بار هم هر تسل به هدفش نرسید اما این اعلامیه، اولین حمایت رسمی دولتی از صهیونیسم بود و گام بزرگی برای آن محسوب می‌شد. از سال ۱۹۰۴، مهاجرت یهودی‌ها مخصوصاً از روسیه و لهستان به فلسطین آغاز شد و با افزایش جمعیت آنان، صهیونیست‌ها بالاخره توانستند در سال ۱۹۰۸، موافقت عثمانی‌ها را برای تشکیل دفتر فلسطین (در سال ۱۹۲۹ به آژانس یهود تغییر نام داد). را در شهر یافا که بندری کوچک در جنوب تل‌آویو امروزی است؛ به دست آوردند. وظایف این دفتر، نمایندگی یهودیان فلسطین در معاملات با سلطان عثمانی و دیگر مقامات خارجی و کمک به مهاجرت یهودیان و خرید زمین برای ساکنان یهودیان بود. هدف صهیونیستی‌ها از ایجاد این دفتر، بدست آوردن جای پا در فلسطین و ایجاد حکومت خودشان در آینده بود ولی در سال‌های آینده برخلاف برنامه آن‌ها، دفتر فلسطین به چیز بیشتر تبدیل نشد اما شروع جنگ جهانی اول همه چیز را تغییر داد. هند بزرگترین و مهم‌ترین

### نشریه تحکیم

مستعمره بریتانیا بود اما فاصله زیاد هند تا انگلیس، باعث شده بود نقطه‌های بسیاری وجود داشته باشند تا با قطع آن، دست بریتانیا هم از هند قطع شود. این نقطه ضعف را انگلیس‌ها، زمان ناپلئون فهمیدند که با فتح مصر و سوریه، قصد داشت به هندوستان برسد که البته با شکستش در مقابل روسیه هیچوقت این اتفاق نیفتاد. به همین خاطر از آن پس، افغانستان و عثمانی را به عنوان حائلی و سپر دفاعی بین روسیه و دیگر کشورهای اروپایی با هند قراردادند و نمی‌گذاشتند در این دو سرزمین پیشروی کنند.



اما با وقوع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ و پیوستن امپراطوری عثمانی به متحدین، دوباره ترس تکرار داستان ناپلئون این بار توسط امپراطوری آلمان به دل انگلیسی‌ها افتاد و تصمیم گرفتند برای از بین بردن دائمی این خطر، عثمانی را نابود کنند و خودشان مستقیم بر سرزمین‌های آن سلطه داشته باشند اما بدلیل شدت بالای جنگ در جبهه غربی که رو در رو با آلمانی‌ها می‌جنگیدند؛ نمی‌توانستند نیروی جدیدی برای جنگ با عثمانی بفرستند بنابراین تصمیم گرفتند از نیروی‌های

می‌کرد این دو سرزمین پس از جنگ برای اوست. بریتانیا اگر می‌خواست در این مورد فرانسه را نادیده بگیرد ممکن بود حتی در جبهه غربی هم با فرانسه به مشکل بخورد. انگلیس تصمیم به مذاکره با فرانسه گرفت که نتیجه آن پیمان محرمانه‌ای بود به نام سایکس-پیکو. طبق این قرارداد، سوریه تحت نفوذ انحصاری فرانسه قرار گرفت و جنوب ترکیه امروزی، سواحل مدیترانه سوریه، لبنان بزرگ و موصل تحت حاکمیت مستقیم آن. فلسطین به دلیل موقعیت جغرافیایی که سه قاره را به هم وصل کرده است؛ بزرگترین نقطه اختلاف آنها بود و در نهایت تحت نوعی مدیریت بین‌المللی قرار گرفت. بغداد، بصره، حیفای و عکا هم به بریتانیا رسید.

محلی برای جنگیدن استفاده کنند. بریتانیا بهترین گزینه را شریف حسن، حاکم حجاز می‌دانستند که با سلطان عثمانی اختلاف شدیدی داشت و ادعا می‌کرد در صورت قیام علیه عثمانی، حداقل صدهزار نفر از اعراب به او می‌پیوندند. طبق قرارداد مک‌هامون (مک‌هامون نماینده بریتانیا برای مذاکرات با حسین بود.) قرار شد در مقابل همکاری ملک حسین با انگلیس و جنگ علیه عثمانی در کنار سربازان انگلیس؛ انگلیس به او کمک مالی و لجستیک کند و او حاکم سرزمین‌های عرب‌نشین عثمانی شود. حال دیگر همه چیز برای از بین بردن عثمانی آماده بود اما انگلیس تنها کشور متفقین نبود که بر بخشی‌هایی از عثمانی ادعا میکرد. فرانسه بدلیل اینکه روزگاری در حدود هزارسال پیش ممالک صلیبی را در سوریه و فلسطین در اختیار داشته است و همچنان نیروی‌های مسیحی وفاداری در این سرزمین‌ها دارد؛ ادعا







پس از پیمان سایکس-پیکو، ملک حسین اعلام قیام کرد اما برخلاف ادعا او، غیر سپاه خودش عرب‌های بسیار کمی به قیامش پیوستند و از عثمانی شکست سنگینی خورد. این اتفاق برای انگلیس بسیار گران تمام شد و در کنار شکست در نبرد گالیپولی و شکست‌های متعددشان در جبهه غربی، سبب سقوط دولت انگلیس و تشکیل دولت جدیدی شد که نخست‌وزیر آن نامی آشنا برای صهیونیست‌ها داشت؛ ی‌عنی دیوید لوید جورج وکیل سابقشان. لوید جورج بخشی از صهیونیست‌های مسیحی بریتانیا بود که معتقد بودند بازگشت مسیح زمانی اتفاق خواهد افتاد که یهودی‌ها به اورشلیم برگردند. لوید جورج زمانی که به قدرت رسید استدلال میکرد شکست آلمان، تنها از مسیر شکست عثمانی و بردن جنگ به شرق آلمان می‌گذرد و البته باید آمریکا به جنگ ورود کند و کمک‌هایش از کمک مالی فراتر رود. و برای تحقق این دو اتفاق باید یهودیان فلسطین و آمریکا با ما همراه شوند. نتیجه اقدامات لوید جورج، اعلامیه‌ای شد که پیش از انتشار آن به تایید رئیس جمهور آمریکا رسید و توسط وزیر خارجه انگلیس خطاب به معروف‌ترین فرد جامعه یهود در سال ۱۹۱۷ زده شد که به اعلامیه بالفور شناخته میشود. در این اعلامیه آمده است:

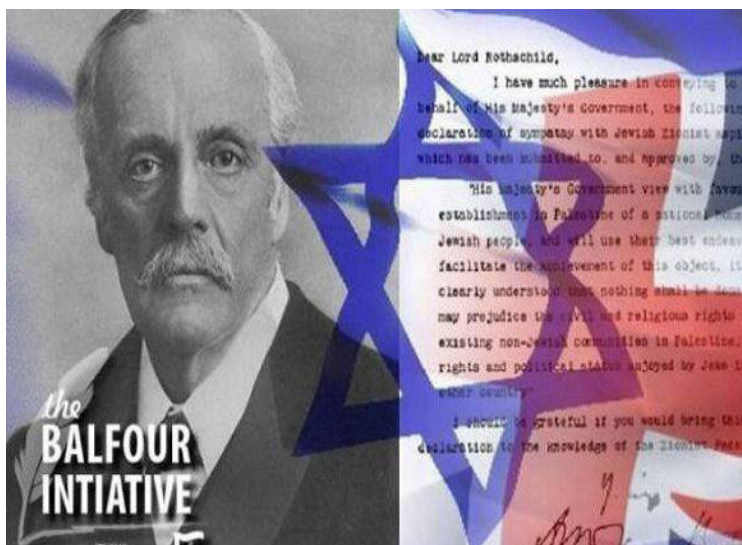
لرد روتشیلد گرامی،

بینهایت مفتخرم که از جانب دولت اعلیحضرت، اعلامیه‌ی حمایت از آرمان یهودیان صهیونیست را که به کابینه تقدیم و با آن موافقت شده را ابلاغ نمایم. دولت اعلیحضرت نسبت به ایجاد یک وطن ملی برای یهودیان در فلسطین با نظر مثبت می‌نگرد و تمام تلاش خود را برای تسهیل دست‌یابی به این هدف به کار خواهد بست؛ مشروط بر آنکه اقدامی صورت نگیرد که حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیریهودی ساکن در فلسطین یا حقوق و وضعیت سیاسی یهودیان مقیم در هر کشور دیگری، خدش‌های وارد سازد. سپاسگزار خواهم شد اگر این اعلامیه را به اطلاع فدراسیون صهیونیسم برسانید.

پس از این اعلامیه لژیون یهود تشکیل شد و روانه عثمانی برای کمک به نیروی‌های عربی و انگلیسی شد و ارتش مشترکی به فرماندهی ژنرال آلبنی تشکیل شد و آنها توانستند در ۶ ماه، تمام سرزمین‌های عربی عثمانی را به دست بگیرند و بریتانیا به کل مناطق آمده در پیمان سایکس-پیکو دست یافت. این کار باعث شد دست انگلیس نسبت به فرانسه باز شود و در دیداری که چند ماه بعد نخست‌وزیران انگلیس و فرانسه داشتند در عوض تحت حاکمیت قرار گرفتن

سرزمین اصلی فلسطین محسوب میشود، گذاشت ماورای اردن (کشور اردن امروزی در این سرزمین قرار دارد) که برای عرب‌هاست. با منطقی که انگلیسی‌ها داشتند هم توانستند طبق اعلامیه بالفور، سرزمینی به یهودی‌ها بدهند و هم سر عرب‌ها بی‌کلاه نمانده است اما نمی‌دانستند نمیشود با قلم، نقشه‌های هزارساله را در چند ثانیه تغییر داد که اگر این‌طور شود تا صدسال پس از آن هم در نتیجه این کار روزانه خون انسان ریخته خواهد شد.

موصل و فلسطین توسط بریتانیا، بریتانیا کمک‌های خودش را به فرانسه برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی‌اش از آلمان، بیشتر کند. این‌گونه بالاخره فلسطین به دست بریتانیا افتاد. بریتانیا برای حکومت فلسطین مشکل بزرگی داشت. مشکلش این بود که به هر دو قومی که بهش در شکست عثمانی کمک کرده بودند قول حاکمیت در فلسطین را داده بود و مردمی در فلسطین زندگی می‌کردند که عرب حجاز، یهودی و انگلیسی‌برایشان فرقی نمی‌کرد و دوست نداشتند تحت تسلط بیگانه باشند. اما بریتانیا کشور پیروز بود و تصمیم خودش را گرفته بود. بریتانیا تعریف سرزمین فلسطین را عوض کرد به این شکل که این سرزمین را دو تیکه کرد و مرز این دو تیکه را رود اردن قرار داد. اسم بخش غربی رود اردن را که ۲۵ درصد سرزمین اصلی فلسطین محسوب میشد، گذاشت فلسطین که باید برای یهودی‌ها باشد و اسم بخش شرقی رود اردن را که ۷۵ درصد



سرانجام جامعه ملل در سال ۱۹۲۲، حکم قیمویت بریتانیا بر فلسطین را تصویب کرد و از بریتانیا خواست سیاست اعلامیه بالفور را با تعریف جدیدش در غرب رود اردن اجرا کند. در نتیجه این اقدام موج‌های زیادی از مهاجرت یهودی‌ها به فلسطین آغاز شد. در آن دوران کشورهای غربی که یهودی‌ها را مزاحم خودشان می‌دیدند به هر ترفندی دست می‌زدند تا به اصطلاح از شر آنان خلاص شوند. از معروف‌ترین این اقدامات قرارداد هاوارا بین آلمان نازی و آژانس یهود در سال ۱۹۳۳ است. توافقی که موجب شد تا در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم ۶۰۰۰۰ نفر از یهودیان آلمان به فلسطین مهاجرت کنند. طبق این قرارداد یهودیان آلمان می‌توانستند دارایی خود را از آلمان بشرط صادرات کالای آلمانی به فلسطین حفظ کنند. اما این تمام ماجرا فلسطین بین دو جنگ جهانی نبود. در آن دوران درگیری‌های متعددی میان اعراب و یهودیان مهاجر در گرفت. از قیام

موسی نبی تا شورش یافا که نتیجه آن ایجاد گروه‌های مسلح زیرزمینی برای مقابله یهودیان و مسلمانان زیر سایه قیمومیت بریتانیا بر سرزمین فلسطین بود. معروف‌ترین آن مراسم عید آمرزش یهودیان در سال ۱۹۲۸ و تلاش آنان برای تصرف دیوار ندبه بیت‌المقدس که برای مسلمانان نیز بدلیل به معراج رفتن پیامبر از آن مکان، مقدس است، زمینه درگیری را فراهم کرد. حاج امین الحسینی، مفتی بیت‌المقدس نیز طی تلگراف به سران کشورهای اسلامی خواهان برگزاری کنفرانس براق در بیت المقدس شد که موجب مجموعه درگیری‌هایی موسوم به انقلاب براق شد که به مرگ حدود ۳۰۰ یهودی و مسلمان انجامید و یکسال بعد محمد جمجوم، فواد حجازی و عطا الزیر سه تن از فعالان انقلاب عراق بدست انگلیس اعدام شدند. اعراب وقتی دیدند اینگونه نمی‌توانند با طرح صهیونسیم مقابله کنند و هرکاری می‌کنند به سد بریتانیا می‌خورند خودشان را به آلمان نازی نزدیک کردند تا با کمکش بتوانند در مقابل انگلیس به پیروزی برسند.

همکاری آلمان نازی با اعراب مخصوصاً کشورهای عراق، سوریه و لبنان پس از شروع جنگ جهانی دوم تشدید شد تا جایی که در برخی روایت‌ها ریشه اصلی هولوکاست را به دیدار حاج امین الحسینی مفتی و هیتلر در سال ۱۹۴۱، پس از حمله آلمان به یوگسلاوی مرتبط میدانند که منجر به توافقی بین این دو شد که یگان مسلمان اس‌اس در بالکان بعنوان متحد هیتلر در جنگ یوگسلاوی بوسیله الحسینی تشکیل شود و در عوض کشته شدن یهودیانی که در اردوگاه‌های اقامت اجباری نازی منتظر کوچانده شدن بودند (نسل کشی فوق را باید در شرایط آن روزهای جهان نگرست که همزمان با ایجاد ناسیونالیسم، کوچ اجباری و بعضاً کشتار جمعی بسیاری از اقوام و دسته‌ها در جهان آن روز برای ایجاد ناسیونالیسم مرسوم بوده است. در تمام جهان غربی همچین رویکردی بوده است). اما با شکست آلمان نازی تمام برنامه اعراب برای مقابله یا صهیونیست‌ها، زمین ماند. پس از پایان جنگ جهانی دوم، با توجه به هولوکاست که همدردی جهان را برای یهودی‌ها به ارمغان آورده بود. سرانجام در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل به تقسیم فلسطین بریتانیا به دو کشور اسرائیل و فلسطین و اداره بیت‌المقدس به صورت بین‌المللی رای مثبت داد و رژیم نامشروع صهیونیستی شکل گرفت.





# سست تراز خانه ی عنکبوت

## جنگ ۳۳ روزه حزب الله ورژیم صهیونیستی

فاطمه زمانی 

عضو کمیسیون بین الملل دفتر تحکیم وحدت

جنگ سی و سه روزه میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی به عنوان رویدادی شگرفت و غیرقابل پیش بینی در آغازین سال های هزاره ی سوم بود. رژیم صهیونیستی که از ابتدای پیدایش نامشروع خود در همه ی رویدادهای نظامی با اعراب، مقتدرانه پیروز شده بود، عملاً حکم یک قدرت شکست ناپذیری داشت که ابطال برنمیداشت.

با هدفی از پیش طراحی شده در تابستان ۲۰۰۶ میلادی برابر با ۲۱ تیر ۱۳۸۵ شمسی به لبنان باهدف نابودی حزب الله حمله کرد که سرانجام با مقاومت حزب الله، شکستی تاریخی برای صهیونیسم هارقم خورد و رویای امپراتوری اسرائیل از نیل تا فرات را به کابوسی برای صهیونیسم ها تبدیل کرد. در ظاهر همه چیز از اینجا شروع شد: اسرائیل در جولای ۲۰۰۴م برخلاف توافق با حزب الله، با توجه به برتری و قدرت تسلیحاتی که داشت بدعهدی کرد و سه اسیر لبنانی را آزاد نکرد. حزب الله در جهت آزادی اسرای خود چاره رادر عملیات نظامی و گرفتن اسیر از صهیونیسم هادید که طی عملیات «الوعد الصادق»، به گشتی صهیونیست ها که حامل دو خودرو بود حمله کرد و دو سرباز اسرائیلی را اسیر گرفت. در همان ساعت های اولیه برخلاف اعلام آمادگی حزب الله برای مذاکره، اسرائیل که به خوی تجاوزگری مبتلا بود و پشتوانه ی غرب را داشت، به لبنان اعلام جنگ کرد و با انواع سلاح در ابعاد زمینی، هوایی، دریایی به جنوب

لبنان و سپس به مناطق دیگر این کشور با اهداف مسکونی، اداری، زیربنایی، پل، جاده، فرودگاه و... حمله کرد. سرعت عمل اسرائیل در یورش به لبنان آن هم با آن سطح از عملیات های زمینی و هوایی و دریایی حاکی از یک انتقام گیری ساده نبود. نابرابری طرفین در امکانات و تسهیلات و حتی موقعیت جنگی آنقدر مشهود و واضح بود که پیش بینی نتیجه ی جنگ چندان دشوار به نظر نمی رسید. اسرائیل نیز گمان می کرد با حمله هوایی در همان ساعت های اولیه حزب الله را خلع سلاح می کند. میزان خسارات و تلفات دو طرف در ابعاد مختلف قابل مقایسه نبود. اسرائیل به جهت برتری تسلیحاتی، ضربات سهمگین و خسارات مادی و تلفات انسانی قابل توجهی به کشور و مردم لبنان وارد ساخت. اسرائیل در این جنگ چهار میلیون و هشتصد هزار بمب خوشه ای استفاده کرد و به طور متوسط در هر روز ۲۷۰ پرواز جنگی داشت. حملات صهیونیسم به طور خاص بر روی مناطق شیعه نشین تمرکز

داشت. بر اثر حملات اسرائیل ۱۵ هزار خانه بصورت کامل نابود شد. ۳۱ مکان حیاتی از جمله فرودگاه، بنادر تجاری و صیادی، ایستگاه‌های هیدرولیک آبی، پالایشگاه نفت، و نیروگاه برق کاملاً نابود شده بود. ۸۰ پل و حدود ۹۰ شرکت آسیب جدی دید. دو بیمارستان به صورت کامل نابود و سه بیمارستان به صورت جدی آسیب دید. ۱۱۸۳ غیر نظامی لبنانی در این جنگ شهید شدند که یک سوم آن‌ها کودک بودند و هیچ حقوق بشری وجود نداشت که سایه شوم تجاوزگری صهیونیسم را از سر آنها کم کند.





بود و جبی از خاک لبنان را اشغال کند و این پایان افسانه‌ی شکست ناپذیری اسرائیل بود. چگونه می‌توان باور کرد که چندرزمنده‌ی شیعی لبنانی باموشک‌های RPG، دشت‌های جنوب این کشور را به گورستان تانگ‌های فوق پیشرفته مرکاوا و جهنمی برای کماندوهای آموزش دیده مبدل سازند؟ در نهایت اسرائیل ۳۳ روز بیشتر دوام نیاورد و آخر سر با وساطت سازمان ملل آتش بس اعلام شد و باشکست خفت بار اسرائیل در صبح روز ۳۴ جنگ به پایان رسید. وقوع جنگ سی و سه روزه میان حزب الله لبنان و رژیم صهیونیستی مهر محکمی بر اثبات نظریه قدرت متافیزیک بود. مسئله‌ای که با وجود تمام برتری‌های اسرائیل پیروز جنگ را حزب الله اعلام کرد و دستاورد آن برای حزب الله حزب الهی قدرتمندتر، مصون‌تر، مسلح‌تر و بانفوذتر از قبل بود و چشم انداز استراتژیک آن را تاجایی پیش برد که امروز عملکرد محور مقاومت را در فلسطین و یمن می‌توان دید.

در مقابل حزب الله، توانست در این جنگ چهار هزار موشک به اسرائیل شلیک و در مجموع ۱۶۵ اسرائیلی کشته شدند. در طول جنگ ۵۶ تانک مرکاوا ۴ مورد طعمه‌ی موشک‌های حزب الله قرار گرفت. برخی کارشناسان نظامی معتقدند، این جنگ برخلاف دیگر جنگ‌های اسرائیل نه تنها ارتش اسرائیل بلکه کشور اسرائیل را نیز درگیر کرد. همچنین حملات حزب الله به خاک اسرائیل جدای بحث خرابی و تلفات، این اثر مهم را داشت که مردم اسرائیل که اساس کشورشان بر پایه‌ی تجاوز و غصب بود طعم جنگ را چشیدند و ضربه‌ای به جبهه داخلی اسرائیل بود. امامهم ترین خسارت رژیم صهیونیستی موقعیت او در منطقه و جهان بود. ارتش اسرائیل که جزء ارتش برتر جهان و از برتری تسلیحاتی و اطلاعاتی فوق پیشرفته به سر می‌برد. گمان می‌کرد در همان ساعت‌های اولیه حزب الله را خلع سلاح می‌کند و با پایان دادن به توانایی و ظرفیت تسلیحاتی حزب الله آن را نابود می‌سازد، حتی نتوانسته



قانون محتوم ولایتیغیر نظام تکوین است که در آیهی چهل و یکم سوره ی عنکبوت آمده است: «مثل آنان که غیر از خدا را به دوستی برگرفتند (در سستی و بی بنیادی) حکایت خانه ای است که عنکبوت بنا می کند و سست ترین بناها خانه عنکبوت است... (عنکبوت/۴۱) از سیاق آیه برمی آید که قدرت های غیر الهی والحادی هر چه قدر هم با عظمت و پرجبروت باشند، در مواجهه بامنبع قدرت لایزال متافیزیکی، پوشالی و همچنین خانه ی عنکبوت سست بنیاد اند. نصرالله به دلیل باور یقینی که به این قانون داشتند بدون هیچ هراسی از قدرت عظیم رژیم صهیونیستی خود را در معرض امدادهای الهی قرار دادند و با اراده ای قوی، توان مبارزاتی بی نظیر، مدیریت جنگی حزب الله تمام معادلات جهان را به هم بزنند و یکی از مقتدرترین ارتش های جهان را که نشان ارتش بی شکست خاورمیانه را داشت به زانو در بیاورند. ایدئولوژی مقاومت از انقلاب اسلامی آغاز شد و با تکرار آن در جنگ ۳۳ روزه مهتری تاییدی خورد و امید رادر قلب نظلومان جهان جوانه زد که منطق مقاومت شکست قطعی دشمنان است.



# علل عادی سازی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی

متین شهیادی

عضو کمیسیون بین الملل دفتر تحکیم وحدت

وقتی با رژیم صهیونیستی مواجه هستیم صرفاً با یک غصب کننده خاک و سرزمین‌ها طرف نیستیم، بلکه با گروهی توتالیتار مقابله میکنیم که به دنبال توطئه و زورگویی است.

به این منظور توتالیت‌تر که سعی دارد برای ارضای طمع و زیاده‌خواهی‌اش زور بگوید و واکنشی مقابلش نباشد، در یک کلام بسیار انحصار طلب است. جدای از این موضوع که طبق آمار و نظرسنجی‌های انجام شده بین مردم کشورهای عربی حدود ۷۰ الی ۹۰ درصد آنها مخالف برقراری ارتباط با این رژیم غاصب و جنایتکار هستند؛ بسیاری از دولت‌هایی که بعضاً افرادی در آنها به دنبال این کار هستند، به این منظور پیش می‌روند که سهمی در شرکت‌های تجاری صهیونیستی دارند و برای دلایل اقتصادی یا امنیتی ارتباط می‌گیرند. لذا دلایل عادی سازی رابطه با اسرائیل را به سه دسته تقسیم می‌کنیم؛ اقتصادی، امنیتی، اعتقادی-فرهنگی. از عمده‌ترین آنها قطعا دلایل امنیتی هستند، چرا که بسیاری از کشورهای عربی خود را ناتوان در برابر این رژیم میدانند. بارزترین نمونه این کشورها عربستان سعودی است که یکی از خریداران پر و پا قرص سلاح‌های آمریکایی است. هر

چند که این کشور با دولت بایدن اختلافاتی را دارد و نمیتواند کاملاً به آمریکا اعتماد کند، اما هستند کسانی از خاندان‌ها که در شرکت‌های بزرگ صنایع دفاعی و تکنولوژیکی حضور دارند و از سهام‌داران آنها هستند، لذا چون به این تکنولوژی‌ها و محصولات صنعتی نیاز دارند تمایل به چنین همکاری‌هایی دارند. علاوه بر این یکی از عوامل بازدارنده برای کشورهای منطقه تکنولوژی هسته‌ای است و حتی یکی از شروط کشورها به خصوص عربستان در قبال رژیم صهیونیستی، عدم مخالفت این رژیم و کشور آمریکا با هسته‌ای شدنشان است. همچنین وقتی این رژیم با کشورها ارتباط برقرار کند، حال چه ارتباط مستقیم توسط نیروهای نظامی و اطلاعاتی چه اقتصادی، در هر صورت به دنبال افزایش مداخلاتش در منطقه و مقابله با ایران است چرا که جمهوری اسلامی ایران مخالف چنین جنایتکاری است. فلذا این شکل ارتباط باعث میشود که موازنه قدرت و امنیت در منطقه غرب آسیا بر هم بریزد.

جنبه‌ی اعتقادی-فرهنگی رابطه با این رژیم و همچنین عادی سازی شدن آن میتواند مهم‌ترین دلیل باشد. به این علت میتواند مهم‌ترین باشد چون تاثیر امنیتی دارد، آن هم این است که دیگر محور مقاومت و فعالیت این نیروها علیه تروریست‌های صهیونیست معنایی ندارد. یعنی این دلیل عادی سازی نه صرفاً به مواردی چون یهودیت و اسلام، یا عرب و صهیونیست، بلکه به مقابله با زورگویی و غصب و جنایت تقابل و تناقض دارد! وقتی رابطه با این رژیم صورت بگیرد اولاً آن را به رسمیت شناختند، پس غصب و جنایت او انکار شده و وقتی این مهم انکار شود دیگر مقاومت در برابر این زورگویی دلیلی ندارد و دوماً به این رژیم تروریست برای توطئه و فعالیت علیه امنیت و منافع کشورهای منطقه، فضا و منابع داده و راه را برایش باز کرده‌اند... اما اهم این موارد همان کم رنگ شدن مقاومت و خالی از هویت شدن آن است. مشروعیت بخشیدن و به رسمیت شناختن ظلم و جنایت علیه میلیون‌ها مظلوم، آن هم مسلمانان. مسلمانانی که برای احقاق حق خود مقاومت میکنند و روزهایی با دستان خالی و با سنگ علیه اینان تاب آوردند، اکنون در نقطه اوج خود به سر میبرند و در اوج قدرت در مقابل عملیات‌های جنایتکاران دفاع میکنند.





# رژیم صهیونیستی و انحطاط درونی

سعيد واشقانی فراهانی

دبیر بین الملل دفتر تحکیم وحدت

رهبر معظم انقلاب در دیدار با نمایندگان کشورهای اسلامی در روز عید فطر فرمودند: «هر چه این مقاومت بیشتر بشود، رژیم صهیونیستی ضعیف‌تر خواهد شد، فجایعش آشکارتر خواهد شد»

این وضع فلاکت‌باری که امروز رژیم صهیونیستی دارد — که وضع امروز رژیم صهیونیستی واقعاً فلاکت‌بار است — ناشی از ایستادگی جوانهای فلسطینی است؛ سختی را به جان می‌خرند، خطر را به جان می‌خرند؛ در قدس آن جمعیت عظیم اعتکاف میکنند، جوانها در شهرهای مختلف کرانه‌ی باختری در مقابل نظامیان مسلح و خبیث صهیونیستی می‌ایستند، فداکاری میکنند اما پیش می‌برند؛ تا حالا پیش برده‌اند، بعد از این هم همین جور خواهد شد. به نظر بنده این جور است که امروز قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی به پایان رسیده.» هفته‌هاست که مردم در رژیم صهیونیستی نسبت به اصلاحات قضایی در حال برپایی اعتراضاتی نسبت به دولت هستند. این رژیم با سرکوب و کشتار معترضین در برابر این موج اعتراضی مقاومت کرده است. این اعتراضات در رژیم صهیونیستی نشان دهنده‌ی دو نکته اصلی است که عبارتند از:

## ۱. شکاف میان دولت و ملت :

روند ملت‌سازی در این رژیم به صورت جعلی شکل گرفته است. این رژیم بدون هیچ مبنای هویتی پدید آمده است. اعتراضات در این رژیم این شکاف را به صورت دقیق بار دیگر نمایان نمود.

## ۲. ضعف رژیم صهیونیستی در برابر محور مقاومت :

امروز گروه‌های مقاومت توانسته‌اند به تسلیحاتی مسلح شوند که در برابر اقدامات این رژیم پاسخ‌گوبنده‌ی دهد. به صورتی که به طور محسوس قابل مشاهده است، زمانی که محور مقاومت شهرک‌های رژیم صهیونیستی را می‌زند؛ ساکنین این شهرک‌ها به پناهگاه‌های ساخته شده فرار می‌کنند.

مسئله دیگری که از ترس حمله های محور مقاومت برای این رژیم بوجود آمده است موج مهاجرتی از این کشور است. به طوری که این رژیم به کشورهای هم پیمان اروپایی خود گفته است که بچه های این مهاجرین را در مدرسه ثبت نام نکنند تا به این سرزمین های اشغال بازگردند. واقعیتی که امروز در سرزمین های اشغالی وجود دارد این رژیم در طول ۷۰ سال عمر خود شرایطی به این شکنندگی و پیچدگی را مسائل داخلی خود تجربه نکرده است. بحران هایی که این رژیم در حوزه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی را که با آن روبرو است این رژیم را در مرحله ی فروپاشی و نابودی از دورن برده است. در مسائل بحران های سایسی می توان به عدم موفقیت مجلس کنست در تعیین کابینه و یا در طول ۴ سال، ۴ نخست وزیر در این کشور تغییر نمود.

## توافق ایران و عربستان؛ شکست سیاست خارجی رژیم صهیونیستی

از نظر بسیاری از کارشناسان امضای توافق برقراری روابط مجدد بین ایران و عربستان سعودی را شکست سیاست خارجی رژیم صهیونیستی می دانند به طوری که نفتالی بنت نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی مطرح کرد که تنش زدایی بین ایران و عربستان شکست سیاست خارجی رژیم صهیونیستی است. توافق ایران و عربستان روند عادی سازی بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی را کند و یا متوقف نمود. این رژیم توانسته بود با ایجاد معمای امنیت و بی ثباتی در منطقه تنش بین ایران و جهان عرب را افزایش دهد.



آنجایی که عربستان سعودی در جهان عرب تأثیر بسیار زیادی دارد رفع تنش این کشور با ایران به ضرر این رژیم خواهد بود. مسئله دیگر در کنار رژیم صهیونستی، آمریکا تنها کشوری است که از تنش در منطقه سود می‌برد و این‌ها منافع خود را در عدم ثبات در منطقه جست و جو می‌کنند، این توافق حذف آمریکا را از معادلات سیاسی منطقه غرب آسیا کلید زد. این توافق در چین با ابتکار رئیس جمهور چین صورت گرفت. چین اخیراً خود را وارد معادلات سیاسی منطقه کرده است؛ و ثبات در منطقه برای چین اهمیت ویژه‌ای دارد. این نکته هم مهم است کشورهای عربی هم اخیراً حذف نقش آمریکا در معادلات منطقه را قبول کردند





# نقش جمهوری اسلامی ایران در شکل‌گیری و تقویت گروه‌های مقاومت

محمد حسن روح پرور 

عضو کمیسیون بین الملل دفتر تحکیم وحدت

با پیروزی انقلاب اسلامی، مساله فلسطین و حمایت از آزادی و استقلال مردمان آن به یکی از مهم ترین ارکان هویت بخش به انقلاب اسلامی و در نتیجه شکل دهنده به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل گردید

این امر رفته رفته ضمن تاثیر بر مجموعه امنیتی خاورمیانه، سبب شکل گیری زیرمجموعه امنیتی محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران گردید که تحت تاثیر غالب منابع هویت بخش به جمهوری اسلامی ایران، ضمن تقابل با استعمار جهانی و نمود منطقه ای آن یعنی اسرائیل، رد مشروعیت جعلی این رژیم را مورد توجه قرار داد.

## محور مقاومت

محور مقاومت اصطلاحی سیاسی است که نخستین بار توسط روزنامه لیبیایی به عربی: (الزحف الأخضر) در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۲ مطرح گردید، عنوان شد و در آن ذکر شده بود که کشورهای که رئیس جمهور آمریکا از آنها با عنوان «محور شرارت» نام می برد، در اصل کشورهای «محور مقاومت» در مقابل ایالت متحده آمریکا و تلاش آن برای سلطه گری بر سایر کشورها محسوب می شوند. در تعریف گفتمانی از محور مقاومت، گفتمان مجموعه ای از نشانه ها است که در یک فرآیند، مفصل بندی نظام معنایی خاصی را شکل می دهند. نشانه هایی که در گفتمان مقاومت مفصل بندی می شوند را می توان در دو دسته طبقه بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهم ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبداد ستیزی است. اما مهم رین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت خواهی و حق طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقال طلبی، آزادی خواهی، معنویت گرایی، حکمت و عقلانیت گرایی، مصلحت گرایی و آرمان گرایی و واقع بینی.

## هویت اسلامی - شیعی انقلاب اسلامی و محور مقاومت

در تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن مواضع محور مقاومت در قبال اسرائیل، هویت اسلامی - شیعی انقلاب اسلامی نقش تعیین کننده ای در تعریف منافع و نیز اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و دارد. احساس وابستگی ایرانیان به فرهنگ، ایده ها و ارزش های اسلامی به ویژه شیعی و تعلق به یک محیط جغرافیایی مذهبی ویژه از مهم ترین مسائل هویت بخش به انقلاب اسلامی و نیز محور مقاومت به شمار می آید و سبب پر رنگ شدن هویت اسلامی شیعی در آن گردیده است. در واقع، روح ایرانی و مذهب شیعه در زمر عوامل بازتولید قدرت سیاسی در ایران است. این مولفه ها را باید اصلی ترین شاخص های زبان سیاسی مقاومت اسلامی دانست. این امر اصلی ترین عامل تولید کننده قدرت مقاومت در ساختار سیاسی ایران محسوب می شود.



## همکاری ایران با محور مقاومت در راستای تأمین امنیت ملی است

مسلمان را در برداشته است و از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران الهام بخش تجدید حیات بیداری اسلامی (و نهضت های مقاومت اسلامی) در جهان اسلام بوده است. از سوی دیگر همکاری ایران با محور مقاومت در راستای استراتژی تأمین امنیت ملی صورت می گیرد؛ بر اساس نظریه «باری بوزان» هر منطقه جغرافیایی از نظر امنیتی شرایط مخصوص به خود را دارد؛ به عقیده او امنیت در سطوح فردی، اجتماعی، ملی، منطقه ای و بین المللی قابل ترسیم است و سطوح تحلیل ملی یا بین المللی قادر به تحلیل امنیت منطقه ای نیست. برای تأمین امنیت منطقه ای باید مناسبات و ساختار قدرت منطقه ای را در نظر گرفت و بر اساس آن برای تأمین امنیت اقدام کرد؛ بنابراین امنیت ملی و بین المللی ایران با امنیت منطقه خلیج فارس و غرب آسیا گره

گفتمان انقلاب اسلامی ایران بدون تردید سبب تجدید حیات و هویت اسلام انقلابی و ارائه هویت جدیدی بر پایه رزش ها و باورهای اسلامی - شیعی برای ایرانیان گردیده است. لذا ایدئولوژی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی که به الگوی نهضت های مقاومت و آزادی بخش منطقه مبدل گردیده است در بردارنده ایده و آرمان یک هویت ملی و منطقه ای نوین بر پایه ارزش ها و اصول اسلامی بوده است. بخش غالبی از هویت اسلامی - شیعی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در تقابل با هویت و موجودیت و در نتیجه امنیت و بقاء اسرائیل قرار داشته و دارد. اگرچه موضع ایران در قبال اسرائیل و امنیت ملی آن از منظر منافع ملی نیز قابل بحث است اما وجه غالب آن دینی و اسلامی شیعه بوده و هست. از یکسو عنصر دین پویایی سیاست خارجی و همبستگی ایران با کشورها و ملت های

خورده است و هرگونه ناامنی در منطقه مستقیماً امنیت ملی کشورمان را تهدید کرده و برعکس، افزایش ضریب امنیتی منطقه موجبات تأمین امنیت ملی ایران را فراهم می‌کند. بررسی آثار و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی محور مقاومت و عملکرد گروه‌های جهادی به ویژه حزب الله لبنان نشان می‌دهد که شکل‌گیری محور مقاومت و سیاست ایران در قبال آن نتایج ارزشمندی داشته است که در موارد ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. جمهوری اسلامی با ایستادگی و پافشاری بر آرمان‌های انقلابی به ویژه اجرای اصل ۱۵۴ قانون اساسی به عنوان الگوی جنبش‌های آزادی‌بخش واقع شده و در بیداری اسلامی نقش قابل توجهی داشته است. پایداری در اجرای اصول انقلاب در طول ۴۰ سال گذشته قابلیت الگوسازی انقلاب اسلامی را افزایش داده و ایران را به یک قدرت فرامنطقه‌ای تبدیل کرده است.

۲. با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران به تنهایی از توان دفاعی در برابر هرگونه تجاوز احتمالی از سوی کشورهای منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای برخوردار است اما حضور و نقش آفرینی محور مقاومت در منطقه ریسک هرگونه حمله نظامی به ایران را افزایش داده و به ایجاد یک حاشیه امن در اطراف مرزهای ایران منجر شده است.

۳. حمایت معنوی و مستشاری ایران از محور مقاومت عمق نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی در منطقه را افزایش داده و میزان محبوبیت و مقبولیت ایران در افکار عمومی کشورهای منطقه نظیر سوریه و عراق را افزایش داده است. طبق آمارهای موجود به ویژه اعتراف مقامات آمریکایی، این کشور بیش از ۷ هزار میلیارد دلار در خاورمیانه هزینه کرده است اما رییس‌جمهور آن نمی‌تواند به صورت رسمی و آشکار به بغداد سفر کند در حالی که میان ایران و کشورهای منطقه مانند عراق و سوریه روابط حسنه برقرار است و همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بالاترین سطح قرار دارد.

۴. برکات و نتایج مثبت محور مقاومت منحصر به مسائل امنیتی نیست؛ در شرایطی که نظام سلطه به رهبری آمریکا میدان جنگ را به عرصه اقتصاد کشانده است، تقویت محور مقاومت می تواند از طریق گسترش بازار کالاهای ایرانی و ایجاد فرصت سرمایه گذاری در کشورهایمانند عراق و سوریه به افزایش تولید ناخالص ملی و برون رفت از تنگنایهای مالی ناشی از تحریم ها کمک کند.

۵. عقب نشینی صهیونیست ها در جنگهای ۲۲ روزه غزه و ۳۳ روزه لبنان نقشه های آمریکا و رژیم اشغالگر قدس مبنی بر تشکیل خاورمیانه بزرگ و تغییر ساختار قدرت به زیان ایران را ناکام کرد؛ صهیونیست ها جنگ ۳۳ روزه لبنان را با اهدافی مانند حذف حزب الله از صحنه سیاست لبنان، شکستن خط دفاعی ایران و ایجاد خاورمیانه بزرگ آغاز کردند اما برنده این بازی خودساخته نشدند.



## نتیجه گیری

تا زمان سازندگی در ایران، به نوعی هماهنگی با سیاست های جمهوری اسلامی ایران بوده و ایران اسلامی، از زمان شکل گیری جهاد اسلامی تا دولت سازندگی، تأثیرگذاری گسترده ای را بر این گروه داشته است. با تمرکز که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی صورت گرفته و با نگاهی که به تاکتیک های ریاست جمهوری های انقلاب اسلامی ایران شده است، حاصل این که در دولت قبل از آیت الله هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری کاملاً محو اسرائیل و بر شکل گیری حکومتی مردم با محوریت بیت المقدس بود. در دوران آیت الله هاشمی رفسنجانی هم نوع نگاه به اسرائیل خیلی با دوران قبل تفاوت نداشت نسبت به دوران قبلی تعدیل تر شده بود ولی مثل دوران اصلاحات نبود، در دوران اصلاحات دولت خاتمی سعی کرد که بر تنش زدایی تأکید کند و با روند دموکراتیک وضعیت مردم فلسطین و اسرائیل حل شود ولی در این دوره بود

با توجه به نظریه ی بحران هویتی دکمبجیان که بر اساس آن کشورهای مسلمان به دلیل عدم کارآمدی جبهه-ی کمونیسم و لیبرالیسم از آن ها روی گردان شده و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران با رویکرد اسلامی به اسلام به عنوانش ایدئولوژی قابل رویکرد عملی روی آوردند و اسلام را به عنوان مبنای اقدامات خود قراردادند و در این مسیر انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار دادند و به آن اقتدا کردند، از جمله گروه هایی که با تأثیرپذیری مستقیم انقلاب اسلامی ایران در منطقه شکل گرفتند، گروه جهاد اسلامی در فلسطین می باشد، گروه جهاد اسلامی با توجه به شواهد و اسناد موجود تحت تأثیر انقلاب و بیانات خود پایه گذاران آن، مستقیماً اسلامی ایران شکل گرفته است و با توجه به مطالعاتی که در اسناد و کتاب ها صورت گرفته نتیجه ای که در این مقاله حاصل شده است اینکه جهاد اسلامی از فرآیند شکل گیری



که ایران از طرف کشورهای غربی به عنوان محور شرارت نامگذاری شد و دولت اسرائیل به این اصل پایبند نشد و اینجاست که موضع دولت خاتمی از آن حالت اولیه خود در قبال اسرائیل رویگردان شد و موضعی تهاجمی تر را در قبال اسرائیل در پیش گرفت، در دولت اصولگرایی که دولت بر محور کامل اسرائیل تأکید داشت، سیاست تهاجمی در قبال اسرائیل در پیشگرفته شد، در همه ی دولت ها رابطه بین گروه های فلسطینی و دولت های حاکم وجود داشته است ولی این رابطه با توجه به جبهه گیری کمتر و گسترده تر می-شد.

### کلام آخر

در آخر مطلبم باید به اندازه خودم مراتب قدردانی و سپاس را از روح والای سید الشهداء مقاومت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بجا بیاورم، چرا که تلاش های ۴۰ ساله این مرد بزرگ باعث شد تا امنیت و آرامش منطقه افزون شود و قدرت و پایداری جبهه مقاومت دو چندان شود، بی شک اگر همت و استواری ایشان و همزمانشان نبود، اکنون این آرامش هم نبود. و یاد آور میشوم که: (جان فدا شهید سلیمانی) قوی تر از سردار سلیمانی جبهه مقاومت را مدیریت می کند.





# برنامه بررسی آخرین تحولات فلسطین و محور مقاومت

در نشست بررسی آخرین تحولات فلسطین و محور مقاومت با حضور آقای دکتر آجورلو مدیر گروه مطالعات غرب آسیا و شمال آفریقا موسسه مطالعاتی ابرار معاصر که به همت واحد بین الملل دفتر تحکیم وحدت برگزار گردید به مسائل و مقاومت و فلسطین پرداخته شد. در ابتدای نشست به نحوه شکل گیری رژیم صهیونیستی و نقش بن گورین و قدرت های غربی در شکل گیری این رژیم و همچنین جعلی بودن فرایند ملت سازی پرداخته شد. در ادامه به قدرت و ابتکار عمل نیروهای مقاومت و تقویت گروه های مقاومت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شد.

در ادامه نیز به مشکلات داخلی که رژیم صهیونیستی با آن الان روبروست و اعتراضات مردم این رژیم نسبت به اصلاحات قضایی، انحطاط درونی در داخل این رژیم را نشان می‌دهد. در پایان نشست دانشجویان انجمن های اسلامی عضو دفتر تحکیم وحدت سوالات خود را حول محور مسئله و فلسطین و محور مقاومت از سخنران جناب آقای دکتر آجورلو پرسیدند.





# تصاویر گوشه ای از جنایات رژیم تروریستی صهیونیستی علیه کودکان فلسطینی













# وفاء شهیدان

سیدها  
۹۹/۳/۲۲  
رهبر انقلاب

یاد شهیدان قدس، از شیخ احمد یاسین و فتحی شقاقی و سید عباس موسوی،  
تاسردار بزرگ اسلام و چهره‌ی فراموش نشدنی مقاومت، شهید قاسم سلیمانی  
و مجاهد بزرگ عراقی، شهید ابومهدی المهندس و دیگر شهدای قدس را گرامی می‌دارم.

